

موضوع اتحاد اسلام را در مقالاتش در مجله عربی زبان *عروة الوثقی*^۵، مطرح، و اندیشه‌های خود را با استفاده از حمایت مسئولان کشورهای اسلامی تشریح می‌کرد. با تعطیل *عروة الوثقی*، این موضوع مدتی مسکوت ماند و با دعوت سلطان عبدالحمید دوم عثمانی (حک: ۱۲۹۳-۱۳۲۷/ ۱۸۷۶-۱۹۰۹)، از سیدجمال‌الدین، برای فعالیت در راه تحقق اتحاد اسلام، دوباره مطرح شد. هر چند که به سبب بروز مخالفتها و مبهم بودن اغراض عبدالحمید این امر تحقق نیافت (محیط طباطبائی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۷).

نخستین جمعیت تقریب بین ادیان در ۱۳۰۳ تشکیل شد. پس از تعطیل *عروة الوثقی*، محمد عبده^۶ به بیروت رفت و با همکاری کسانی چون ابوتراب ساوجی (خادم سیدجمال‌الدین اسدآبادی) و میرزا محمدباقر بواناتی^۷ (مترجم انگلیسی *عروة الوثقی*)، «جمعیت تقریب بین اهل الاسلام و اهل کتاب» را تأسیس کرد که بعدها اشخاصی از ایران و عثمانی و انگلیس و هندوستان به آن پیوستند. مدت فعالیت این جمعیت کوتاه بود (همو، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۷-۱۸).

در ۱۳۱۷ ش/ ۱۹۳۸، یک روحانی ایرانی به نام محمدتقی قمی^۸ از ایران به مصر مهاجرت کرد و در قاهره «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» را تشکیل داد که مهمترین اقدام در راه تقریب علمی بود. او خود به عنوان دبیر کل مادام‌العمر این جمعیت برگزیده شد (جماعه‌التقریب بین المذاهب الاسلامیه، ص ۱۲۴، ۱۲۷). جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) در روند کار جمعیت خلل ایجاد کرد و قمی از مصر خارج شد، ولی در ۱۳۲۵ ش/ ۱۹۴۶ به مصر بازگشت و کار خود را از سرگرفت (قمی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۹-۱۹۰؛ واعظ، ص ۲۹۹-۳۰۰).

دارالتقریب محل گردهمایی دانشمندان و روحانیان شیعه و سنی شد. کسانی چون محمدعلی علویه‌پاشا (دانشمندی که بعداً به ریاست جمعیت برگزیده شد)، شیخ عبدالمجید سلیم^۹ (رئیس هیئت فتوای دانشگاه الازهر)، حاج‌امین حسینی (مفتی اعظم فلسطین)، شیخ محمدعبداللطیف (مفتی وزارت اوقاف)، شیخ محمدعبدالفتاح عنانی (رئیس مذهب مالکی)، شیخ محمود شلتوت^{۱۰} (عضو هیئت کبارالعلماء حنفی)، حسن البنا^{۱۱} (رهبر جمعیت اخوان المسلمین)، قاضی محمدبن عبدالله امری (نماینده شیعه زیدیه یمن) و برخی دیگر، از اعضای این جمعیت بودند. بعدها شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء^{۱۲} آل‌کاشف‌الغطاء^{۱۳} و سیده‌الدین شهرستانی و سیدعبدالحسین

Quargla, deux fonctions urbaines", in *Travaux de l'Inst. de Recherches Sahariennes, Algiers* (1960).

/ م. کوت^۱ (د. اسلام) /

تقریب، تلاش علمای اسلامی برای نزدیک کردن پیروان مذاهب اسلامی. تقریب در مفهوم عام، جنبش نزدیکی ادیان^۲ است (گفتگوی ادیان^۳) و در مفهوم خاص، حرکتی است که علمای مذاهب اسلامی آن را پایه‌گذاری کرده‌اند و هدف از آن نزدیک ساختن شیعیان و اهل سنت به یکدیگر و رفع اختلاف، و گاه خشنی کردن دشمنی مسلمانان، به منظور متحد کردن آنان است. در تاریخ اسلام تلاشهایی که برای تحقق این امر صورت گرفته، غالباً جنبه فرهنگی یا سیاسی داشته است. تلاشهای حکام و سلاطین در این راه، چون آمیخته با اهداف و اغراض سیاسی بوده، راه به جایی نبرده است. برای نمونه، پیشنهاد منصور، خلیفه دوم عباسی (حک: ۱۳۶-۱۵۸)، به مالک بن انس، پیشوای مذهب مالکی، برای اعلام کردن کتاب او به عنوان منبع رسمی و مشروع در جامعه اسلامی، بنا مخالفت مالک رویرو شد (طبری، ص ۶۵۹-۶۶۰).

مأمون^۴ (حک: ۱۹۸-۲۱۸) برای رفع مناقشات مذهبی مجالس متعددی تشکیل می‌داد که در آن پیشوایان و عالمان هر مذهب درباره مسائل مختلف بحث می‌کردند، ولی حمایت مأمون از معتزله این جلسات را بی‌نتیجه کرد (صعیدی، ص ۲۷-۲۸).

نادرشاه افشار (حک: ۱۱۴۸-۱۱۶۰) در مجلسی که در ۱۱۴۸ با حضور نمایندگان تمام طبقات ایران در دشت مغان برگزار شد، شرط پذیرفتن سلطنت را ترک سب سه خلیفه اول و احتساب مذهب شیعه جعفری، به عنوان مذهب پنجم در کنار مذاهب چهارگانه اهل سنت، اعلام کرد و نمایندگانی به عثمانی فرستاد و همکاری آنان را در این امر خواستار شد. وی، به‌رغم جنگهای ایران و عثمانی و تجاوز نیروهای عثمانی به مرزهای ایران، برای وحدت شیعه و سنی تلاش نمود و در ۱۱۵۶ پیشنهاد کرد که علمای برجسته شیعه و شیخ‌الاسلام عثمانی، عبدالله سؤیدی، مجلس بحث و گفتگویی در بغداد تشکیل دهند، اما با مخالفت علمای شیعه و کارشکنی و بدگمانی شیخ‌الاسلام عثمانی این اقدام بی‌نتیجه ماند (محیط طباطبائی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۷۴؛ آتابای، ص ۷۱).

سیدجمال‌الدین اسدآبادی^۵ در اوایل سده چهاردهم،

شرف‌الدین، هر سه از علمای برجسته شیعه، نیز به این جمعیت پیوستند (جماعة التقريب بين المذاهب الاسلامية، ص ۱۲۷-۱۲۹، و ص ۱۲۹، پانویس ۱).

آیت‌الله حاج آقا حسین بروجرودی^۵، مرجع تقلید شیعیان، از اهداف و مرام این جمعیت حمایت کرد و آنان را از حمایت‌های مالی و معنوی خود بهره‌مند ساخت (در مورد مواضع و اندیشه آیت‌الله بروجرودی درباره تقریب - واعظزاده خراسانی، ۱۴۱۷، ص ۸-۱۲؛ هدی، ص ۵۷-۶۰). مناسبات دوستانه و مکاتبات بروجرودی و شلتوت، به صدور فتوای تاریخی معروف شلتوت مبنی بر به رسمیت شناختن مذهب شیعه انجامید (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۱-۲۰۳؛ برای آگاهی از متن این فتوا - شلتوت، ۱۳۳۸، ص ۲-۳). دارالتقريب گاه از حمایت رهبران سیاسی کشورهای اسلامی نیز برخوردار می‌شد (برای نمونه - جوذکی و تیرانیان، ص ۳۵۷-۳۵۹).

مهمترین دستاورد دارالتقريب پی‌ریزی راه‌های عملی اتحاد مسلمانان بود. در مجله رساله الاسلام، که از ۱۳۲۸ تا ۱۳۵۱ ش/ ۱۹۴۹-۱۹۷۲ به تناوب فعالیت می‌کرد، دیدگاه‌ها و راه‌حلهای علمای برجسته اسلامی در این باره به چاپ می‌رسید. در این مقالات تحقیقی، نویسندگان شیعه و سنی می‌کوشیدند با ارائه مشترکات شیعیان و اهل سنت و تبیین جوهر اصلی دین، به هدف خود دست یابند (- مخلوف، ص ۱۴۱-۱۴۶؛ مغنیه، ۱۳۷۵، ص ۱۴۸-۱۵۱). بحث درباره اجتهاد^۶ و نقش آن در پیدایی مذاهب گوناگون اسلامی و تأثیر رهیافت‌های مختلف تفسیری و حدیثی و غیره بر آن، در نهایت به پیدایی فقه مقارن (تطبیقی) انجامید (برای نمونه - آل‌کاشف‌الغطاء، ص ۲۳۹-۲۴۳؛ مراغی، ص ۳۴۹-۳۵۳؛ در مورد فقه مقارن - مدنی، ص ۳۹۴-۴۰۶؛ واعظزاده خراسانی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۵-۱۶۸). صدور فتوای شلتوت در هفدهم ربیع‌الاول ۱۳۷۸، مبنی بر جواز پیروی از مذهب شیعه امامیه همانند چهار مذهب فقهی اهل سنت، بزرگترین اقدام عملی در راه تقریب به‌شمار می‌آید (همبستگی مذاهب اسلامی، ص ۳۴۵-۳۴۶). نشر مقالات و کتب متعدد، برای تنزیه شیعیان از برخی اتهامات ناروا و نشان دادن چهره‌ای صحیح از مذهب شیعه، از دیگر اقدامات دارالتقريب بود (ایرادات اهل سنت به برخی اعتقادات شیعه، شامل عصمت، بدء، مقامات ائمه شیعه، شفاعت، علم غیب امام، یا نسبت دادن تحریف قرآن به شیعه و جز آن است؛ برای اطلاع بیشتر - مغنیه، ۱۳۷۴، ص ۲۷۹-۳۸۱؛ علوی مدغری، ص ۳۶-۴۵). کتابهای الحج علی المذاهب، المختصر النافع، و تذکره الفقهاء (از کتب فقهی شیعه)، وسائل الشیعه (کتابی حدیثی و از مهمترین مآخذ فقه شیعه)، و حدیث الثقلین

به همین منظور چاپ شد. علاوه بر آن، با توجه به جایگاه تفسیر در علوم اسلامی، تفسیر مجمع‌البیان^۷ طبرسی از تفاسیر شیعه، و تفسیر شلتوت از تفاسیر اهل سنت به چاپ رسید (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ش، ص ۳۲۷-۳۳۲). تدریس فقه شیعه در دانشگاه الازهر در کنار سایر مذاهب فقهی و نیز تغییر برخی قوانین مصر طبق مذهب شیعه (از جمله قوانین طلاق و خانواده)، در زمان ریاست شلتوت در الازهر به عنوان مفتی اعظم اهل تسنن صورت گرفت (شلتوت، ۱۳۷۷، ش، ص ۴۱۱-۴۱۴).

وهابیون از این اقدامات دارالتقريب انتقاد کردند و آن را طرح مؤسسه شیعی دارالتقريب برای تغییر دادن مذهب تسنن به تشیع قلمداد نمودند (د. اسلام، چاپ دوم، ذیل واژه؛ نیز بوای آگاهی از نقش وهابیون در تفرقه افکندن میان مسلمانان - بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۰، ص ۴۹-۵۱). موانع سیاسی، بویژه تفرقه‌افکنیهای آشکار و پنهان دولتهای استعماری غربی، و بدفهمی عمومی از اقدامات دارالتقريب و هدف آن، مانعی دیگر بر سر راه تقریب بود و با آنکه این جمعیت، اصول و مواضعش را اعلام کرده بود، عده‌ای همواره هدف آن را سنی کردن شیعیان یا شیعه کردن سنیان می‌دانستند. این موانع سبب شد که بتدریج از فعالیتهای دارالتقريب کاسته شود. سرانجام شیخ محمدتقی قمی مصر را به قصد پاریس ترک کرد و در ۱۳۶۹ ش در همانجا درگذشت (د. اسلام، همانجا).

در دهه ۱۳۷۰ ش، برخی مؤسسات یا افراد علاقه‌مند به دارالتقريب و اصولاً اندیشه تقریب، مقالات مندرج در شصت شماره رساله الاسلام را منتشر کردند، از جمله بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی با همکاری مجمع‌التقريب بین المذاهب الاسلامیه در ۱۳۷۰ ش دوره کامل آن را چاپ کرد. برخی نیز گزیده‌ای از مقالات آن را به صورت کتاب منتشر کردند، از جمله: محمد محمد مدنی (دعوة التقريب من خلال رساله الاسلام، قاهره ۱۹۶۶)؛ عبدالکریم بی‌آزار شیرازی (الوحدة الاسلامیه اوالتقريب بين المذاهب السبعة، بیروت ۱۹۷۵ و آینه همبستگی، تهران ۱۳۵۵ ش)؛ عبدالله محمدتقی قمی (دعوة التقريب: تاریخ و وثائق، قاهره ۱۹۹۱)؛ و شیخ عبدالله علایلی (نحو مجتمع الاسلامی الموحد: مسئله التقريب بين المذاهب الاسلامیه، اُسس و منطقیات، بیروت ۱۹۹۴).

در ۱۳۶۹ ش، به ابتکار آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای «مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی» به وجود آمد. این مجمع عهده‌دار تلاشهای تقریبی در جهان اسلام است و همه ساله با شرکت اندیشمندان اسلامی، در ایران یا دیگر کشورهای اسلامی

همچون اعتقاد به توحید، نبوت، معاد، نماز، روزه، دارا بودن قبله و کتاب واحد و بسیاری از اصول دیگر دینی و نیز سنت پیامبر و روش ائمه شیعه در دعوت به اتحاد و سفارش به پرهیز از جدال و اختلاف با برادران دینی، و توجه و هشجاری علما و سیاستمداران کشورهای اسلامی به ضرورت این امر، می‌توان امیدوار بود که این اندیشه به بار بنشیند و از تفرقه و اختلاف کشورهای اسلامی بکاهد. ترویج فرهنگ و اخلاق تقریب، محور قرارداد قرآن به عنوان متنی قطعی و مسلم برای همه مسلمانان، جداکردن مواضع سیاسی و فکری از احکام فقهی و نیز جداکردن احکام فقهی از مواضع اعتقادی، گسترش و تعمیق مباحثات فقهی و کلامی و تفسیری و حدیثی، همراه با تضارب آرا و افکار در محیطی آرام و به دور از تشنج‌جات حاصل از دخالت مفرضان، در تحقق تقریب بین مذاهب اسلامی تأثیر بسیار دارد (حکیم، ص ۱۹۴-۱۹۹).

منابع: بدری آناپای، «تلاش نادرشاه افشار برای رفع اختلافات مذهبی»، میراث ایران، ش ۲۲ (تابستان ۱۳۸۰)؛ محمدحسین آل کاشف‌الغطاء، «الاجتهاد فی الشریعة بین السنة و القیعة»، رسالة الاسلام، سال ۱، ش ۳ (رمضان ۱۳۶۸)؛ عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، شیخ محمود شلتوت: طلایه‌دار تقریب، تهران ۱۳۷۹ ش؛ همو، «فتاوی تفرقه‌انگیز وهابیان همسو با خشم آمریکا و اسرائیل از تقریب بین مسلمانان»، مشکوة، ش ۳۳ (زمستان ۱۳۷۰)؛ همو، «معرفی شیعه و انتشارات دارالتقریب»، در همبستگی مذاهب اسلامی: بحثهای علمی و اصلاحی پیشرویان مذاهب اسلامی، ترجمه و نگارش عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، [تهران]: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۷۷ ش؛ جماعةالتقریب بین المذاهب الاسلامیة، «اساسنامه جمعیت تقریب بین مذاهب اسلامی»، در همبستگی مذاهب اسلامی، همان؛ حجت‌الله جودی و صفاءالدین تبرائیان، «گزارشی از یک گفت‌وگوی منتشرنشده در ایران: جماعت تقریب و دکتر مصدق»، تاریخ معاصر ایران، سال ۱، ش ۴ (زمستان ۱۳۷۶)؛ محمدباقر حکیم، وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت، ترجمه عبدالهادی فقهی‌زاده، تهران ۱۳۷۷ ش؛ محمدحسن زمانی، «علامه امینی پرچمدار نهضت تقریب علمی»، بصائر، سال ۴، ش ۲۶ (مرداد و شهریور ۱۳۷۶)؛ محمود شلتوت، «شیعه و دانشگاه الازهر»، در همبستگی مذاهب اسلامی؛ همو، «فتاوی تاریخی شیخ شلتوت»، درسهائی از مکتب اسلام، سال ۲، ش ۳ (اسفند ۱۳۳۸)؛ کلیم صدیقی، نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، ترجمه هادی خسروشاهی، تهران ۱۳۷۵ ش؛ عبدالمتعال سعیدی، «سعی قدیم فی توحیدالمذاهب»، رسالة الاسلام، سال ۷، ش ۱ (جمادی‌الآخره ۱۳۷۴)؛ عبدالکبیر علوی مدغری، التقرب بین الفرق الاسلامیة، ۴: «قضايا ینبغی الحسم فیها»، ۵: «خطا فی المنهج»، مغرب ۱۹۹۲؛ محمدتقی قمی، «رجال صدقوا»، رسالة الاسلام، سال ۱۴، ش ۵۶-۵۵ (محرم ۱۳۸۴)؛ محمدحسین طباطبائی، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین؛

همایش‌های وحدت برگزار می‌کند. مجله رسالة التقرب (به زبان عربی، چاپ تهران)، ترجمان (ارگان) مجمع تقریب، از ۱۳۷۱ ش فعالیت خود را به‌منظور ایجاد روح وحدت اسلامی در میان ملل مسلمان آغاز و آثار اندیشمندان اسلامی را منتشر کرده است.

جمهوری اسلامی ایران از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی (۲۲ بهمن ۱۳۵۷) تاکنون، به وحدت و تقریب مسلمانان، و پیشگیری از هر اقدام تفرقه‌انگیز، توجهی ویژه کرده است. جدالها و تعصبات از موانع مهم تقریب مذاهب بوده است. جمهوری اسلامی ایران برای رفع بدبینیها و تحریفها و تهمتها اقدامات گوناگونی کرده که از آن جمله است: اعلان ۱۲ تا ۱۷ ربیع‌الاول هر سال (ایام ولادت پیامبر اسلام) به عنوان هفته وحدت؛ اهتمام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در جلوگیری از نشر کتابهای تفرقه‌آمیز (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۰ ش، ص ۵۷؛ نیز برای نمونه اقدامات سه مشکینی، ص ۱۳) صدور فتوای امام خمینی مبنی بر لزوم نماز جماعت گزاردن شیعیان همراه با سایر مسلمانان در مراسم حج و تأسیس دانشگاه مذاهب اسلامی در تهران، که در آن فقه جعفری، زیدی، حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی و یاضی تدریس می‌شود (بوختا، ص ۳۳۴).

در پی چند دهه فعالیت مستمر متفکران و علاقه‌مندان اندیشه تقریب و تلاش برای ایجاد «جهان‌بینی مشترک برای تمام امت اسلامی»، اندیشه وحدت اسلامی در میان بیشتر مسلمانان مطرح شده است و مؤسسات اسلامی برای تحقق آن تلاش می‌کنند (برای نمونه سه صدیقی، ص ۱۲۸، ۱۵۳). اطلاع از اندیشه‌های واقعی مذاهب دیگر، به دور از نسبت‌های ناروایی که به هریک از آنها داده شده و پرهیز از مطلق‌نگری و آگاهی از علل تفرقه و اختلاف، هدفی است که می‌توان با روش «تقریب علمی» به آن دست یافت. در بهمن ۱۳۷۱/ فروردین ۱۹۹۳، بنیاد تحقیقات علمی اسلامی در استانبول محفلی علمی (سمپوزیوم) برگزار کرد که در آن محققان سنی و شیعه شرکت داشتند و به‌زعم اندیشمندان، این اقدام تأثیر گسترده‌ای در شناساندن چهره علمی و صحیح تشیع داشت. کتابهای استدلالی و احتجاجی عالمانی چون کاشف‌الغطاء، شرف‌الدین، سیدمحسن امین، علامه امینی و دیگران نیز تأثیر ارزنده‌ای در راه رسیدن به اهداف مذکور داشته است. تألیف کتاب الفقه علی المذاهب الخمسة از محمدجواد ثعنی، و دروس فی الفقه المقارن از محمدابراهیم جناتی (هر دو در زمینه فقه تطبیقی) و المراجعات شرف‌الدین (در معرفی مواضع و مبانی اعتقاد شیعی) نیز از جمله اقدامات مؤثر بوده است.

با توجه به زمینه‌های وحدت در اصول اعتقادی مسلمانان

تقریرات

می‌کردند و این کار معمولاً به دو شیوه صورت می‌گرفت: شفاهی و مکتوب. در تقریر شفاهی، پس از پایان هر نوبت درس استاد، بعضی از شاگردان ممتاز و خوش‌فهم و با سابقه، با اتکا به حافظه خود، همان درس را برای شاگردانی که سابقه کمتری داشتند یا درس را خوب نفهمیده بودند، تکرار می‌کردند (مروج، ص ۲۸؛ جعفری همدانی، ص ۲۸). در این جلسات، طلاب سوالات خود را راحت‌تر می‌پرسیدند و اشکالاتشان را برطرف می‌کردند. این روش، علاوه بر آنکه موجب تقویت افراد ضعیف می‌شد، به حفظ و رسوخ مطالب در ذهن شاگردان کمک می‌کرد و نوشتن آن مطالب را آسان می‌نمود (صافی اصفهانی، ص ۴۰؛ مروج، همانجا). مثلاً، پس از پایان هر جلسه درس شریف‌العلمای مازندرانی (متوفی ۱۲۴۵)، یکی از فضلا به تقریر درس می‌پرداخت و استاد مشکلات را حل می‌کرد. سپس چند تن همان درس را مجدداً تقریر می‌کردند تا اشکالات طلاب کاملاً برطرف شود (تنکابنی، ص ۱۱۵). همچنین میرزا ابوالقاسم تهرانی (متوفی ۱۲۹۲) و میرزا محمدحسن آشتیانی (متوفی ۱۳۱۹) از جمله کسانی بودند که درس شیخ‌انصاری را برای عده‌ای تقریر می‌کردند (انصاری قمی، ص ۱۸۹-۱۹۰). ملا محمد شربانی درسهای استاد خود، سیدحسن حسینی کوهکمری (متوفی ۱۲۹۹)، را آنقدر تقریر کرده بود که به ملا محمد مقرر معروف شده بود (امین، ج ۶، ص ۱۴۷، ج ۱۰، ص ۳۶). سید ابوالقاسم خوئی نیز به گفته خود (ج ۲۲، ص ۱۸) درسهای استادانش، محمدحسین نائینی و محمدحسین اصفهانی، را برای حاضران تقریر می‌کرد.

این شیوه آموزشی ظاهراً در زمان وحید بهبهانی (متوفی ۱۲۰۵) در حوزه‌های علمی شیعی رایج شد (گرچی، ص ۳۳۳)، ولی امروزه معمول نیست (جعفری همدانی، همانجا). در نظام آموزشی بعضی از مدارس جهان اسلام، روش دیگری، نزدیک به روش تقریر، سابقه داشته است. در این مدارس، عنوان «مُعید» (بازگوکننده) ظاهراً از نیمه‌های سده پنجم به شاگردی که درس استاد خود را بازگو می‌کرده، اطلاق می‌شده و تا قرن دهم رایج بوده است. این شیوه در مدارس نظامیه (تأسیس در نیمه دوم سده پنجم) تا آنجا رایج بوده که هر استاد یک یا چند معید از میان طلاب ممتاز داشته است. معیدان، پس از پایان درس و رفتن استاد، درس را برای طلابی که نیاز به راهنمایی داشتند، بازگو می‌کردند و آنها را در فهم قسمتهای مشکل درس یاری می‌دادند (ابن جماعه، ص ۱۵۰؛ کسائی، ص ۱۶۱؛ غنیمه، ص ۳۲۶).

در تقریر مکتوب، طلابی که قدرت فراگیری بیشتری دارند، پس از پایان هر نوبت درس استاد (در دوره خارج فقه و اصول)، آن درس را به قلم خود می‌نویسند. اصطلاح تقریرات به این

به کوشش هادی خسروشاهی، تهران ۱۳۷۰ ش؛ همو، «سیدجمال‌الدین و وحدت اسلامی»، تاریخ و فرهنگ معاصر، سال ۵، ش ۳-۴ (پاییز و زمستان ۱۳۷۵)؛ محمدبن جریر طبری، «المنتخب من کتاب المذیل من تاریخ الصحابة و التابعین»، در دیوان تاریخ الطبری، ج ۱۱، چاپ محمدابوالفضل ابراهیم، قاهره [۱۹۷۷]؛ حسین محمد مخلوف، «من المغنی الاکبیر»، رسالة الاسلام، سال ۴، ش ۲ (رجب ۱۳۷۱)؛ محمد محمدمدنی، «فقه مقارن، یا، تحولی بزرگ در دانشگاه الازهر»، در همبستگی مذاهب اسلامی، همان؛ محمدمصطفی مراغی، «الاجتهاد فی الشریعة»، رسالة الاسلام، سال ۱، ش ۴ (ذی‌الحجّه ۱۳۶۸)؛ علی مشکینی، المصباح المنیر، قم ۱۳۷۶ ش؛ محمدجواد مغنیه، «الاصول الثلاثة و الأخوة فی الدین»، رسالة الاسلام، سال ۸، ش ۲ (رمضان ۱۳۷۵)؛ همو، «الغلاة فی نظر الشیعة الامامیة»، رسالة الاسلام، سال ۶، ش ۴ (صفر ۱۳۷۴)؛ حسام‌الدین واعظ، «نقش وحدت و تقریب مذاهب اسلامی در روابط بین‌الملل»، پایان‌نامه کارشناسی علوم سیاسی، دانشکده روابط بین‌المللی، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲ ش؛ محمد واعظزاده خراسانی، «السید البروجردی و التقرب»، رسالة التقرب، سال ۳، ش ۱۲ (ربیع‌الثانی - جمادی‌الآخره ۱۴۱۷)؛ همو، الواحده الاسلامیة: عناصرها و موانعها، چاپ سیراقائی، تهران ۱۳۷۹ ش؛ س. هدی، «دو سند تاریخی در راه تقریب بین مذاهب اسلامی»، درسهائی از مکتب اسلام، سال ۳، ش ۴ (خرداد ۱۳۴۰)؛ همبستگی مذاهب اسلامی: بحثهای علمی و اصلاحی پیشوایان مذاهب اسلامی، ترجمه و نگارش عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، [تهران]: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۷۷ ش؛

Wilfried Buchta, "Tehran's Ecumenical Society (Majma' al-Taqrīb): a veritable ecumenical revival or a Trojan Horse of Iran?", in *The Twelver Shia in modern times: religious culture and political history*, ed. by Rainer Brunner and Werner Ende, Leiden 2001; *Et*, s.v. "Taqrīb" (by W. Ende).

/ محبوبه جوذکی /

تقریرات، عنوان آثاری عمدتاً در فقه و اصول که مؤلفان آنها به مبانی، دلایل و توضیحات استاد خود در دوره درس خسارچ پرداخته‌اند، واژه تقریر در اصطلاح منابع دینی و عالمان دین، دو معنا و دو کاربرد دارد: یکی در اصول فقه با عنوان تقریر معصوم (← سنت^۳) که عبارت است از سکوت معصوم (پیامبر اکرم، حضرت فاطمه و ائمه علیهم‌السلام) در برابر کاری که در محضر ایشان انجام می‌شود و در صورت وجود شرایطی خاص، دلیل بر اقرار به صحت و جواز و در نتیجه مشروعیت آن عمل است (← مظفر، ج ۳، ص ۶۶؛ حکیم، ص ۱۱۶، ۱۴۱-۱۴۲).

دیگری در نظام آموزشی حوزه‌های علوم دینی، که در آن برخی طلاب، پس از پایان هر نوبت درس استاد، درس را مرور